

## فرهنگ لغات و اصطلاحات وقف

(بخش بیست و چهارم)

سید جلیل محمدی \*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۷

زارع صاحب نسق - کسی است که مالک زمین نبوده و با دارا بودن یک یا چند عامل زراعتی شخصاً و یا با کمک خانوار خود در اراضی معینی از موقوفه زراعت می‌نماید و مقداری از محصول را به صورت نقدی و جنسی به موقوفه می‌دهد. ← مصلحت وقف

زاویه - کنج. گوشه. کرانه ← زوایا (فرهنگ عمید)

زراعت - کشت و زرع. کشاورزی. کشت کاری (فرهنگ عمید) || تولید محصول وسیله عملیات زراعتی یا باغداری. ← مصلحت وقف.

زعیم - کفیل. رئیس. رهبر. پیشوا. پذیرفتار. بزرگ قوم. زعما جمع. (فرهنگ عمید) || زارع و کشاورز (بیشتر در بلوچستان) (فرهنگ معین)

- در صورت انقراض نسل واقف، تولیت و نظارت با زعمای خوشنام و مورد وثوق اهالی محل باشد. (نقل از یک وقف‌نامه عادی)

زمره - جماعت. فوج. گروه. ردیف و دسته. (فرهنگ عمید)

- نام ایشان را در زمره کارمندان افتخاری خیریه ... منظور نمایند. (آثار ماندگار، ج. اول، ص. ۲۲۲)

زمین - خاک || ارض. غبرا. (لغت‌نامه دهخدا) || خاک. روی خاک و سطح کره که زیر پای ما است و

قطعه‌ای از آن که مخصوص زراعت باشد و یا در آن خانه بسازند یا افتاده و بایر باشد. (فرهنگ عمید)

- منظور از زمین (ارض) زمینی است که بتوان آن را برای یک یا چند نوع از امور کشاورزی مورد استفاده قرار داد. (بند ۹ از ماده اول قانون اصلاحات ارضی)

زمین آبی - زمینی است که زراعت آن از آب دائمی رود یا استخر یا قنات یا چشمه یا چاه و امثال آن آبیاری می‌شود. (بند ۹ از ماده اول قانون اصلاحات ارضی ۱۳۳۸)

زمین آیش ← آیش.

زمین بایر - زمین بدون کشت.

- زمینی است که در آن عملیات زراعی انجام نگرفته باشد، (انجام نشده) (بند ۹ ماده یک قانون اصلاحات ارضی ۱۳۳۸)

زمین بیاض - زمین بدون کشت و فاقد بنا و ساختمان. زمین ساده ← بیاض.

\* نویسنده مسئول؛ دادستان بازنشسته سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

JALIL.MOHAMMADI@gmail.com

**زمین دایر** - زمین آباد و زیرکشت. ← دایر.

**زمین زراعتی** - (خوانسار) زمین زراعی: زمینی که مخصوص زراعت و کشاورزی است. زمینی که در آن کشت و کار می‌شود.

**زمین مجهول‌المالک** - زمینی که سابقه تملک دارد لیکن در زمان معینی مالک آن شناخته نمی‌شود. یعنی هویت مالک برای ما مجهول است.

- املاکی که به ثبت عمومی گذاشته شده و طبق ماده ۱۱ قانون ثبت مصوب سال ۱۳۱۰ نسبت به آنها تقاضای ثبت نشده باشد در آگهی نوبتی به عنوان مجهول‌المالک اعلام می‌شود. (ماده ۱۲ - ۱۳۹ ق.ت).  
← مجهول‌المالک

**زمین موات** - زمین مرده و بدون کشت و زرع ← موات.

**زمین وقفی** - زمین موقوفه. ← موقوفه.

**زوال** - از بین رفتن. نیست شدن. (فرهنگ معین)

**زوايا** - جمع زاویه. ساختمان آرام‌گاه بزرگان مذهبی: روز جمعه ... در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم ... امر شهادت شهنشاہ سعید وقوع یافت. (افضل الملک) || خانقاه. || اتاقی در خانقاه مخصوص شیخ یا ذکر درویشان. || اتاقی مخصوص نماز گزاردن || حجره. غرفه. || محل زندگی. مسکن. (فرهنگ بزرگ سخن)  
- در اصفهان به زاویه منسوب به شیخ علی بن سهل شاگرد جنید وارد شدم... در آن جا برای هر وارد و صادری طعام مهیاست و دارای گرمابه باشکوهی است که برای عموم مردم وقف است و هرکس می‌تواند بدون پرداخت مزد داخل گرمابه شود. (ابن بطوطه، سیاح نامی اسلامی، ۵۲۵. هـ) (سیر مالکیت در ایران و ثبت اسناد و املاک، ص. ۱۸۰)

**زه** - تراوش آب از درز چیزی. تراوش آب باریک از درز سنگ یا جای دیگر؛ و آبی که بدین‌گونه تراوش کند. (فرهنگ عمید)

|| چاه زه: چاهی که برای جمع شدن آب دور و بر ساختمان و رفع نم و رطوبت در داخل ساختمان یا بیرون حفر می‌کنند. (مؤلف)

- ... یک چاه زه مشتمل بر یک دستگاه الکترو پمپ ... (میراث ماندگار، ص. ۸۰) ← زه‌کشی  
زه‌کشی - عمل کندن جوی‌های گود تا رطوبت یا آب اراضی باتلاقی در آن گرد آمده زمین خشک و سالم گردد. (لغت‌نامه دهخدا)

|| در اصطلاح خوانسار (چند بُری) دور کردن آب‌هایی که از سطح زمین یا باغ‌ها تراوش می‌کند، این عمل بیشتر در سال‌های (آبسالی) فراوانی آب انجام می‌شود. خشکانیدن آب زیاد و رطوبت زمین. (مؤلف)  
**زیتونستان** - جایی که درخت زیتون زیاد باشد. || باغ درخت زیتون.

- ... شش‌دانگ یک قطعه زیتونستان ... (اتار ماندگار، ص. ۲۰۲)

**زنیان** - زنیان. نان‌خواه است و آن تخمی باشد که بر روی خمیر نان پاشند. (لغت‌نامه دهخدا) || گیاهی است، دارای برگ‌های ظریف و گل‌های سفید، دانه‌های زرد رنگ و خوش‌بو، از آن اسانس گرفته می‌شود. تخم‌زنیان را بر روی خمیر نان می‌پاشند. (فرهنگ عمید)

- شش‌دانگ باغ زنیان که یک قفیز است به انضمام ... (میراث فرهنگی نطنز، ص. ۵۹۷)

**سابق** - پیش. قبل. گذشته. جلو. (لغت‌نامه دهخدا)

سابقه تاریخی وقف. ← تاریخچه وقف.

ساختگی - جعلی. دروغین. بدل. قلب. مصنوعی. مجعول. غیر اصلی. قلابی. (نعت‌نامه دهخدا) || فارسی (مجعول) است، به جای (سند مجعول) باید گفت (سند ساختگی) (فرهنگستان) ← جعل و تزویر  
ساختمان - ساختن. بنا کردن. عمارت. (فرهنگ معین)

- مالکین اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم آن باید قبل از هر اقدام عمرانی یا تفکیک اراضی و شروع به ساختمان از شهرداری پروانه اخذ نمایند. (ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها ۱۳۴۵) || معماری. (فرهنگستان)

سادات - بزرگان. اولاد پیغمبر اسلام (ص) (فرهنگ عمید)

- ... مشاهیر و ثقات شهر اعم از سادات و قضات و ائمه (بند ۵ منشور سنجر در مورد اوقاف به قاضی عسکر) (سیر مالکیت در ایران و چگونگی ثبت اسناد و املاک، ص. ۵۶)

سازمان - تشکیلات. حالت، قسمت‌هایی که واحد و مجموعه‌ای را برای انجام فعالیت‌های خاصی تشکیل می‌دهند. (نعت‌نامه دهخدا) || به مجموعه تشکیلات اداری یک مؤسسه دولتی و رسمی اطلاق می‌شود؛ مانند سازمان حج و اوقاف و امور خیریه. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور. سازمان ثبت احوال کشور. همچنین ماده یک قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران از دفتر اسناد رسمی با عنوان «سازمان» یاد کرده است؛ «دفترخانه اسناد رسمی واحد وابسته به وزارت دادگستری است و برای تنظیم و ثبت اسناد رسمی طبق قوانین و مقررات مربوط تشکیل می‌شود. سازمان و وظایف دفترخانه تابع قوانین و نظامات راجع به آن است».